


A Study, Analysis, and Evaluation of the Intellectual Nature of the Shi'i Buyid State (The Position of Shi'i Thought and Ideology in the State)

Hamid Valian ¹ 

1. Assistant Professor Department of Islamic Studies, Payame Noor University, P.O. Box 3697-19395, Tehran, Iran .Email: h.valian@pnu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 2023-02-09
Revised: 2023-05-15
Accepted: 2023-06-01
Available online
14 April 2025

Keywords:

Imamiyyah,
intellectual nature,
Shiite government,
Al Boyeh,
Baghdad

ABSTRACT

The expansion of Shi'ism is one of the notable features of the fourth century AH, as various Shi'i states emerged, including the Fatimids in Egypt, the Hamdanids in Syria and the Jazira, the Zaydis in Yemen, and the Buyids in Iran and Iraq, the latter being among the most significant and powerful. This study aims to examine the foundations and components of the intellectual nature and ideology of the Buyid state, its interactions with Shi'i scholars, and the relationship between the state and the Twelver Shi'a school of thought. Given the fundamental nature of the subject and the descriptive-analytical approach, the research was conducted through library-based data collection. The findings indicate that the Buyids' actions from the time they came to power in Iran and Iraq contributed to the growth and spread of Shi'ism in their territories. The relationship with Imami scholars and the delegation of responsibilities and authorities to them created a more suitable environment for Shiite elders, which, in addition to preparing religious and scientific forces, centralized the authority and authored the four books of this sect, issued fatwas, and taught religious teachings, led to the growth and development of other popular sciences and help the Twelver Shi'is in certain regions could openly practice and express their beliefs without the need for precaution (taqiyya).

Cite this article: Valiyan, Hamid (2025). Investigating and evaluating the intellectual nature of the Al-Buwayh shiite government (The place of Shiite thought and ideology in the government), *Discourse of History*. 49 (1), 78-103.
<https://doi.org/10.22034/skh.2023.13386.1302>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

Doi: [10.22034/skh.2023.13386.1302](https://doi.org/10.22034/skh.2023.13386.1302)

بررسی، تحلیل و ارزیابی ماهیت فکری دولت شیعی آل بویه (جایگاه اندیشه و ایدئولوژی شیعه در دولت)

حمید ولیان^۱ 

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵ تهران، ایران.

رایانامه: h.valian@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی - پژوهشی	گسترش تشیع از ویژگی‌های قرن چهارم است، زیرا حکومت‌های شیعی مختلفی مانند: فاطمیان در مصر، حمدانیان در شام و جزیره، زیدیان در یمن و آل بویه در ایران و عراق که از مهم‌ترین و قدرتمندترین آن‌ها بود، شکل گرفت.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰	شناخت مبانی و مولفه‌های ماهیت فکری و ایدئولوژی حاکم بردولت بویه، رابطه و تعامل آنان با عالمان شیعه و رابطه دولت با مذهب شیعه امامیه، اصلی‌ترین اهداف این پژوهش می‌باشند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵	این پژوهش با توجه به ماهیت بنیادی موضوع و توصیفی-تحلیلی بودن آن، پس از گردآوری داده‌های مربوط، با تکیه بر شیوه مطالعه کتابخانه‌ای صورت گرفت.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱	نتیجه پژوهش این است که در نتیجه اقدامات بویه‌پیمان از زمان به قدرت رسیدن بر ایران و عراق، موجب رشد و گسترش تشیع در مناطق تحت نفوذ آنان شد. رابطه با عالمان امامی و واگذاری مسوولیت‌ها و اختیاراتی به آنان، فضای مناسب‌تری برای بزرگان شیعه پیش آورد که ضمن آماده‌سازی نیروهای دینی و علمی، مرکزیت واحد مرجعیت و تالیف کتب اربعه این مذهب، فتوا و آموزش معارف دینی، رشد و بالندگی دیگر علوم متداول را هم به دنبال داشت و شیعیان امامیه در برخی مناطق بدون تقیه، عقایدشان را آشکار می‌کردند.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵	
کلیدواژه‌ها:	
امامیه،	
ماهیت فکری،	
دولت شیعی،	
آل بویه،	
بغداد	

استناد: ولیان، حمید (۱۴۰۴). بررسی، تحلیل و ارزیابی ماهیت فکری دولت شیعی آل بویه (جایگاه اندیشه و ایدئولوژی شیعه در دولت).

سخن تاریخ، ۴۹ (۱)، ۱۰۳-۷۸. <https://doi.org/10.22034/skh.2023.13386.1302.78-103>



مقدمه

به هنگام بررسی و مطالعه یک دولت و یا یک حکومت، به جز عنصر اصلی در شکل گیری، توجه به موجودیت فکری و سیاسی که در درون آن دولت نهفته است، اهمیت ویژه ای دارد، زیرا ماهیت دولت عبارت است از چپستی فکر و اندیشه و چپستی سیاست آن دولت که به دنبال نهادینه کردن آن می باشد.

بررسی و تحقیق درباره تاریخ تشیع نشان می دهد که این مذهب در ادوار مختلف، فراز و نشیب های فراوانی را پشت سر گذاشته، در بعضی از مواقع، شیعیان به شدت در تنگا و معذوریت قرار می گرفتند و در مواقعی با وجود دولت های شیعی، شرایط مناسب تری برایشان فراهم می شد. دولت شیعی ایرانی آل بویه یکی از دولت های حامی مذهب شیعه امامیه است که در ایران و مرکز خلافت اسلامی شکل گرفت.

بعد از خلافت امام علی (ع) و امام حسن (ع) که دولت اسلامی با ایدئولوژی تشیع درگستره وسیع از جهان اسلام دامن گسترده و حاکمیت جامعه اسلامی در دست متولیان اصلی اندیشه شیعه بود که اصطلاحاً به آن عصر حضور می گویند، دولت فراگیر شیعه شکل نگرفت. بررسی تاریخ دولت ها و امارت های شیعی نشان می دهد، بعد از دولت شهری مثل امارت مختار و یا فاطمیان مصر که در نیمه غربی دارالاسلام حاکمیت داشتند، دولت مهم شیعی که هم در مرکز خلافت و هم در بخش گسترده ای از مشرق جهان اسلام مسلط شده باشد، در زمان امارت آل بویه محقق شد. دولت بویه به خاطر موقعیت جغرافیای سیاسی با تسلط بر بغداد، جغرافیای اقتصادی با در اختیار داشتن بین النهرین یا همان هلال خصیب و نیز موقعیت سوق الجیشی با همجواری با سامانیان، مهمترین رقیبشان در خراسان و با اتخاذ سیاستی ایدئولوژیک مبتنی بر اندیشه تشیع، از دولت های مهم اسلامی به حساب می آید که مدل جدیدی از سیاست ورزی در بطن و متن خلافت عباسی، با ساختار و ماهیت امرای استیلایی ارائه کرد.

اگر قرون چهارم و پنجم هجری، ادوار طلایی و زرین فرهنگ و تمدن اسلامی به حساب می آیند، می توان گفت تا اندازه زیاد متاثر از ملک داری موفق و نقش آفرینی درخور توجه آنان در حوزه فکری فرهنگی است. این اقدامات مختص جامعه شیعی نبود، ولی پیامدهای مثبت فعالیت هایشان، چه در طول حیات سیاسی آن دولت و چه در ادوار بعد، برای شیعیان غیرقابل انکار می باشد. این سلسله به عنوان حامیان فرهنگ و تمدن اسلامی، در حافظه تاریخی مسلمانان و مخصوصاً شیعیان امامیه به نیکی ثبت و ضبط شده، سهم و نقش قابل قبولی در فرامندی تمدن

اسلامی برای آنان قائل می باشند.

لازم به ذکر است دو نوع قدرت در یک جامعه وجود دارد: ۱- قدرت سیاسی که در درون خود مدیریت سیاسی، قدرت نظامی و قدرت اقتصادی را دارد. ۲- قدرت اجتماعی که در درون خود مردم، رهبری و ایدئولوژی را دارد که در اختیار عالمان و اندیشه ورزان می باشد، از این رو عالمان شیعه زمان مورد تحقیق با توجه به ارتباط با شیعیان، در گروه دوم یعنی قدرت اجتماعی قرار می گرفتند که امرای بویه بدان نیاز داشتند. این یک الگویی شد که در ادوار بعد در مناطق شیعه نشین از جمله باوندیان، همکاری امرا و عالمان شیعه را به دنبال داشت.

سوال اصلی پژوهش این است که؛ ماهیت فکری فرهنگی حاکم بردولت آل بویه در دوره-های مختلف، چگونه بوده و چه دستاوردهایی برای شیعیان امامیه داشت؟ **فرضیه اصلی پژوهش** چنین است؛ ماهیت فکری و ایدئولوژی حاکم بردولت بویه، اندیشه شیعه امامیه بوده، رابطه و تعامل آنان با عالمان شیعه امامیه رابطه ای دو سویه؛ یکی برای کسب مشروعیت و دریافت ایدئولوژی و دیگری برای ترویج تفکر مذهبی بوده است.

ضرورت پژوهش این است که تحقیق پیش رو می تواند مسیری باشد جهت معرفی الگویی از سازواری دو سویه حاکمان و عالمان دینی در جوامع اسلامی، زمانی که بسترهای مناسب برای نقش آفرینی بی واسطه عالمان در مدیریت جامعه فراهم نباشد.

بنابراین **دال اصلی** این پژوهش، تبیین، تحلیل و بررسی رابطه دولت بویه با مذهب شیعه امامی می باشد که اصطلاحاً به آن ماهیت فکری گفته می شود. عراق، به خصوص شهر بغداد، مرکز خلافت و بخش گسترده ای از مشرق جهان اسلام، **محدوده پژوهش** می باشند.

مفهوم شناسی پژوهش عبارتند از؛ **ماهیت** که معنای فارسی آن «چیستی» است. (شایروانی، ۱۳۹۹، ۱۴۴) پاسخی است که درباره چیستی یک شی بیان می شود. (ملاصدرا، ۱۹۸۱م، ۳۹/۲) آنچه که در یک دولت در رابطه با دین و ساختارهای کلان دینی، ترویج و تقویت ایدئولوژی رایج و گفتمان اندیشه ی حاکم بردولت باشد، ناظر به **ماهیت فکری** آن دولت می باشد.

دولت ناظر به سیاست، حکومت و هیئت حاکمه می باشد که در محدوده مرزهای سرزمینی مشخص، حق حاکمیت دارد و با کنترل قدرت نظامی حمایت می شود (گیدنز، ۱۳۹۸، ۳۴۱) و منافع ملت و شهروندان خود را از حیث داخلی و خارجی تامین می نماید. (آشوری، ۱۳۹۸، ۱۶۲)

سنجه مرکب از سنج، سنجیدن باضافه پیوند نسبیت، سنگ ترازو(جوالیقی، ۱۴۱۹ق، ۲۱۵) معیار، مقیاس، محک، عیار و... می باشد. در این پژوهش، سنجه معیاری است که با آن وضعیت فکری حاکم بردولت آل بویه را مطالعه و بررسی می نماییم.

پیشینه تحقیق

در مورد پژوهش پیش رو به دو نوع نوشتار می توان اشاره کرد: نوع اول از منظر توصیفی و بیشتر با رویکرد سیاسی به سلسله آل بویه از برآمدن تا برافتادن (از ظهور تا سقوط) توجه کرده اند مثل؛ تاریخ دیالمه و غزنویان از عباس پرویز، آل بویه از علی اصغر فقیهی و شاهنشاهی عضدالدوله از همین نویسندگان و جلد دوم تاریخ تشیع از سید احمد رضا خضری که بیشتر به تاریخ آل بویه و اقدامات سیاسی اجتماعی امرای این سلسله پرداخته، کمتر به موضوعات فکری فرهنگی توجه کرده اند و تعامل دوسویه امرا و عالمان امامیه دیده نشد. نوع دوم تحقیقاتی هستند که رویکرد تحلیلی دارند؛ همچون احیای فرهنگی در عصر آل بویه، نوشته جوئل کرم که بیشترین توجه اش، حوزه فرهنگی و به خصوص آموزشی است. کتاب دیگر، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری اثر آدام متز است که در کنار اوضاع سیاسی به موضوعات اجتماعی، فرهنگی و فرقه های شیعی این عصر توجه کرده است. کتاب بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه های معتزله، حنابله و اشاعره در بغداد، تالیف محمد رضا بارانی را هم می توان نام برد که زمینه های برآمدن آل بویه بر اریکه قدرت و شواهد زیدی و امامی بودن امرای بویه را بیان کرده است. با این همه، پژوهش مستقلی که به موضوع تحقیق، یعنی ماهیت فکری دولت شیعی آل بویه در مراحل مختلف، تاسیس، تثبیت و استقرار توجه کرده باشد، صورت نگرفته است که خود وجه تمایز این پژوهش با تحقیقات انجام شده می باشد. در ضمن برخلاف غالب مطالعات تاریخی که فقط از منظر سیاسی به مطالعه و بررسی دولت ها و سلسله ها می پردازند، این تحقیق به سنجه فکری و فرهنگی امارت بویه توجه کرده است که می تواند نوآوری پژوهش محسوب شود.

رابطه دولت و مذهب شیعه

جهان اسلام به هنگام خلافت عباسی، دولت های اقماری زیادی را تجربه کرد. بعضی امارت استیلایی داشته، خلافت چاره ای جز پذیرش آن ها نداشت و در صورت مخالفت، خلیفه از اریکه قدرت کنار گذاشته می شد و یا خلفا را در هیاتی نحیف برمسند خلافت ابقا، تا از مواهب

حکمرانی بردولت اسلامی بهره برند و بعضی از نوع استکفایی به حساب می آمدند که مجریان تصمیمات خلفا بودند. بویهیان امیران استیلایی بودند که خلفای عباسی را برای رسیدن آمالشان حفظ کردند که به رعیت موجب بگیر بیشتر شباهت داشتند تا امیرالمومنین و خلیفه جهان اسلام، از این رو تسلط آل بویه بر بغداد، نقطه عطف سیاسی در روابط ایران با خلافت و مرحله نوبنی از دوران ضعف و انحطاط خلفا و از دست دادن اقتدار معنوی و دنیویشان بود که از آن پس، خلفا را جز لوا و منشور فرستادن، خلعت دادن و پاسخ پادشاهان اطراف، کاری نماند. (مجهول المؤلف، ۱۳۱۸، ۳۷۹)

معزالدوله با اینکه خلیفه جدید را سوگند داده بود تا « علیه او کاری نکند و دشمنی نوزد.» (ابن جوزی، ۸، ۱۴۱۲/۲۴۷) وقتی برای جنگ از بغداد خارج می شد، خلیفه را نیز همراه خود می برد و «مطیع مثل اسیر نزد او بود.» (السیوطی، ۳۹۸، ۱۳۸۲) برای خلیفه مقرری محدودی تعیین شد که با گذشت زمان، حتی به بهانه هایی کاهش یافت. (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ۲۴۷) عزالدوله در سال ۳۶۰هـ به هنگام پیشرفت های رومیان از خلیفه تقاضای کمک کرد و نبرد با کفار را از وظایف او دانست. پاسخ خلیفه نشان از ضعف تحقیر آمیز خلافت دارد. «غزا هنگامی بر من واجب است که فرمانروایی به دست من باشد. دارایی و سپاه در اختیار من بود. اکنون که من جز به اندازه بخور و نمیر ندارم، همه آن ها در دست شماست، نه غزا، نه حج، نه هیچ يك از وظایف پیشوا بر من واجب نیست.» (ابن مسکویه، ۳۵۰، ۱۳۶۹) فراتراز این، از زمان خلع الطایع بالله تا ورود القادر بالله به بغداد که ۲۳ روز به طول انجامید، به نام هیچ خلیفه ای خطبه خوانده نشد. (گردیزی، ۹۰، ۱۳۷۴) «چون مال البیعه بستند، به خلافت قادر رضا دادند.» (مستوفی، ۳۹۴، ۱۳۶۲) القادر بالله برای دستیابی به مقام تشریفاتی خلافت، سوگند یاد کرد تا به بهاءالدوله وفادار باشد. (ابن اثیر، ۱۳۹۸، ق، ۹۱/۹)

البته خلیفه دست به اقداماتی زد؛ از جمله دستگیری رهبر شیعیان محله باب الطاق و برقراری ارتباط با سردارانی مثل اسپهدوست و روزبهان بن خورشید که موجب نگرانی معزالدوله شد. (مستوفی، ۱۳۶۴، ۳۴۶) وی در مجلس خلیفه حضور یافت، خلیفه را از تخت به زیرکشید و با المطیع لله رقیب مستکفی بیعت کرد.

امرای موسس، علی، حسن و احمد، از طرف خلیفه القاب «معزالدوله»، «عمادالدوله» و «رکن الدوله» دریافت کردند. (فقیهی، ۸۵، ۱۳۶۵؛ کاهن، ۳۱، ۱۳۸۳) آنان اولین حکومت ایرانی بودند که توانستند به آمال بسیاری از امیران ایرانی، از جمله یعقوب لیث صفاری و مردآویج زیاری

دست یابند و برخلاف عباسی مسلط گردند. در ضمن زادگاه بویه‌پیمان آمادگی ایجاد یک نهضت شیعی، نه الزاماً شیعه دوازده امامی را داشت. در قرن سوم، به ویژه زمان متوکل، علویان مورد تعقیب بودند، از این رو فرزندان اهل بیت به مناطق دوردست و امن، مانند کرانه‌های دریای مازندران پناه می‌بردند. (ابن اسفندیار، ۲، ۱۳۹۶/۲۲۴)

سیاست واگرایانه کارگزاران خلافت به واسطه رویکردهای متعارض اجتماعی همانند ظلم و ستم، تعصب شدید نژادی و اخذ مالیات‌های چند نوبته که با اکراه و ناخرسندی اهالی مواجه می‌شد، زمینه ساز نارضایتی و شورش بسیاری شدند. (فرای، ۱۳۲، ۱۳۸۱)

دستگاه خلافت ناخواسته با سیاست تعقیب و گریز علویان و به ویژه سادات، در سر برآوردن دولت شیعی آل بویه نقش اساسی داشت. در این میان ضعف و ناتوانی خلفای عباسی که از چشمان تیز بین امرای فرصت طلب آل بویه هم پنهان نمانده بود، مزید بر علت شد، از این رو معزالدوله، تغییر خلیفه را که عملی تر و منطقی تر می‌نمود، بر تغییر خلافت از عباسیان به خاندان دیگر ترجیح داد. به زودی بهانه‌های لازم نیز فراهم گردید. به احمد بن بویه خبر رسید که مستکفی با حمدانیان علیه او توطئه می‌کند. (مسعودی، ۱۳۶۰، ۲/۷۳۹) این تکاپو، خلع خلیفه از خلافت و شکست حمدانیان را به دنبال داشت. در این میان، خطر خلفای فاطمی که سودای خلافت بر جهان اسلام و تسلط بر اماکن مذهبی مسلمانان را داشتند، در اتخاذ این تصمیم بی‌تاثیر نبود، آل بویه هشدار اصلی را از خلفای فاطمی مصر دریافت کردند که در پی نفوذ در سرزمین‌های خلافت رو به افول عباسی بودند.

دولت فاطمیان و آل بویه تقریباً به طور هم زمان به ظهور رسیدند. فاطمیان با استفاده از داعیان خود، فعالیت‌های مذهبی وسیعی آغاز کردند، اگر چه نتوانستند دامنه حکومت سیاسی خود را از مصر و شام فراتر نهند.

با نفوذ و حضور آل بویه در خلافت عباسی، مکاتباتی بین ایشان و دولت فاطمی صورت گرفت، ولی با این همه در بعضی مواقع با مناقشاتی همراه بوده است (کرم، ۱۳۶، ۱۳۷۵) از این رو فاطمیان را به جرات می‌توان تهدید جدی برای امرای آل بویه دانست که در ابتدای راه بودند و آنان را بر سر دو راهی انتخاب و گزینش سخت قرار دادند. (ابن مسکویه، ۲، ۱۳۶۹/۸۲) مسیر اول کمک به شکل‌گیری خلافت شیعی بود که با خلافت فاطمی قرابت و مشابهت‌هایی داشت و آل بویه به صورت دست‌نشاندهانشان در می‌آمدند که با روحیه بلند پروازانه‌شان منافات داشت، از این رو مسیر دوم را که ابقا خلافت عباسی و ملعبه قراردادن خلفا بود را برگزیدند.

بررسی اجمالی و کوتاه از شیعه امامی یا زیدی بویه‌یان اگرچه دال اصلی این پژوهش نیست، اما در تحلیل موضوع می‌تواند مفید باشد. قرائن و شواهد نشان می‌دهد، آل بویه قبل از رسیدن به حکمرانی، به مذهب زیدیه گرایش داشتند. ابن خلدون معتقد است که اطروش و تمام کسانی که به دست او اسلام آوردند، زیدی مذهب بودند. (ابن خلدون، ۱۳۶۴، ۲۱/۴۵۸؛ خضری، ۱۳۸۸، ۲۵۶)

زیدی بودن آل بویه در زمان تاسیس را می‌توان از تصمیم معزالدوله به تغییر خلیفه و انتخاب فردی زیدی به نام ابوالحسن محمد بن یحیی استنباط کرد که صیمری یکی از یارانش او را از این کار برحذر داشت. (طبری، ۱۳۷۸، ۱/۲۵۵) «معزالدوله با برخی از نزدیکان خود پیرامون انتقال حکومت از عباسان به علویان مشورت کرد و آنان نیز همگی این موضوع را تایید کردند، جز برخی از نزدیکان خاص که گفتند: از این اندیشه درگذر که باعث زوال و نابودی حکومت می‌گردد.» (ابن اثیر، ۱۳۹۸، ۶/۳۱۵)

ابن خلدون هم همین موضوع را تایید می‌کند که گفتند: «هرگز چنین مکن و کسی را که قوم تو فرمانبردار او باشند به خلافت نشان، چه بسا به فرمان او، تو را از میان بردارند.» (ابن خلدون، ۲/۱۳۶۴، ۶۵۳) از این جهت معزالدوله از اصل زیدی، مجاز بودن امامت مفضول با وجود فاضل پیروی کرد و بر اساس مصلحت سیاسی، اجازه یافت تا ولایت خلیفه سنی را بپذیرد. (فرای، ۱۳۸۱، ۲۴۹)

در مطالعات تاریخ، توجه به اضلاع سه گانه، یعنی انسان، زمان و مکان، ضروری به نظر می‌رسد. عنصر مکان در گرایش فکری، فرهنگی و مذهبی افراد هم تاثیرگذار هست، از این جهت، زیدی بودن آل بویه با توجه به خاستگاه آنان که ابتدا با علویان زیدی مذهب آشنا شده و اسلام را از حوزه اندیشه ای آنان گرفته بودند، کاملاً طبیعی است.

بعضی از پژوهش‌ها به صراحت به زیدی بودن آن‌ها اشاره دارند و چرخش مذهبی آنان را منبعت از اهداف سیاسی شان می‌دانند؛ آل بویه که در اصل زیدی و پیرو عقیده شیعی مسلط برموطن خویش بودند (مادلونگ، ۱۳۹، ۱۳۸۷) پس از تسلط بر بغداد، به فرقه ای دیگر از شیعه که رسماً امام حاضر در صحنه نداشته تا به حکومت او دعوت شوند و زمینه را برای ارتباط و پیوند نهاد سلطنت و نهاد دین مهیا کنند، متمایل شدند.

اما سوال مهم این است که چرا امرای موسس آل بویه، دست به گزینش مذهبی زدند و شیعه امامیه را انتخاب کردند؟ به نظر می‌رسد، بویه‌یان متناسب با شرایط و اوضاع به این نتیجه رسیدند که استمرار بر مذهب زیدیه و نصب خلیفه زیدی، پایه های حکومتشان را سست و جهان اسلام و به خصوص بغداد را با چالش روبرو می‌کند. از سوی دیگر، شیعیان عراق، امامی مذهب

بودند و منصوب کردن خلیفه ای زیدی، ازدید آنان با خلیفه عباسی یکسان بود، پس ولایت خلیفه سنی را بر اساس اصل مجاز بودن مفضول برفاضل پذیرفتند. (ابن اثیر، ۱۳۹۸ق، ۶/۳۱۵)

اگر آنان بر مذهب زیدیه باقی می ماندند، لازمه اش قبول امام حاضر و رهبر علوی بود، امامی که طبق عقیده زیدی ها، فرزند زاده زهرا (س) و قیام کننده به سیف باشد، در این صورت، اطاعت فرمان او بر فرمانروایان آل بویه واجب بود، درحالی که با قبول شیعه امامیه، موقعیت دیگری پدید می آمد، زیرا امام دوازدهم شیعیان، امامی غایب بود و آل بویه می توانستند با احترام نسبت به بزرگان و تقبای شیعه امامیه مثل شریف رضی، به حکومت خود ادامه دهند. (متز، ۱/۱۳۸۸/۱۸۲)

شواهدی از مذهب امامی امرای آل بویه در دوران تثبیت و استقرار: تبدیل عراق به یکی از کانون های شیعه. (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ۸/۱۷) اعلام عزای عمومی روز عاشورا و تعطیلی و شادمانی عید غدیرخیم. (ابن تغری، ۱۳۹۲ق، ۴/۲۱۸) تجدید بنای مقابر ائمه اطهار. (مقدسی، ۱۹۰۶، ۳۳۳) مراقبت از احفاد علی (ع). (کبیر، ۱۳۶۲، ۳۱۳) وصیت جهت دفن کردن امرای بویه در جوار قبور ائمه اطهار. (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ۷/۱۲۰) ضرب سکه با عبارت علی ولی الله. (عزیز زاده، ۱۳۷۳، ۷۸-۷۹) گفتن «اشهد ان علیاً ولی الله» و «حی علی خیر العمل» در اذان. (تشیع در عهد آل بویه، ش ۴، ۲۴) اداره کشور بر اساس دیدگاه های فقهی و حکومتی ابن جنید اسکافی. (شوشتری، ۱۳۹۲، ۱/۴۳۹) نوشتن شعارهای شیعی بردیوار مساجد به دستور معزالدوله و طرح موضوع فدک. (ابن اثیر، ۱۳۹۸ق، ۲۵۷) تکریم فوق العاده به همراه پرداخت هدایا به شیخ مفید از ناحیه عضدالدوله بعد از مناظره با قاضی عبدالجبار معتزلی. (موسوی خوانساری، ۱۳۹۲ق، ۵/۱۶۹) تأسیس مدارس برای تعلیم و ترویج معارف شیعه. (یارشاطر، ۱/۱۳۵۴/۱۵۷) بازسازی و مرمت مرقد مسلم بن عقیل (ع) (گلی زواره، ۲۱۴، ۱۳۷۳) و میثم تمار (احمدیان شالچی، ۱/۱۳۸۸/۱۱۲).

اگرچه در میان آنان پیروانی از طریق زیدی، اسماعیلی و دوازده امامی پیدا می شد، اما حمایت و پشتیبانی خاص آنان از شیعه امامی، خواه شیعه سیاسی، حبی به معنای دوستی اهل بیت (ع) به خاطر نزدیکی و خویشاوندی با رسول خدا (ص) و یا اعتقادی که امامت حضرت علی (ع) را در تمام شئون آن (سیاسی، مذهبی و باطنی) امری انتصابی و الهی دانسته، این امامت را برای یازده تن از فرزندان وی قبول دارد (جعفریان، ۱۳۶۸ش، ۱/۱۹) آن ها را بیشتر هواداران این گروه از شیعه می نمایاند. (ابن اثیر، ۱۳۹۸ق، ۸/۵۴۹)

الف) رسمیت یافتن مذهب تشیع

۱- دوره تأسیس

این موضوع که مذهب شیعه امامی توسط بویه‌یان در بیشتر بخش‌های ایران و عراق رسمیت یافت، جای تردید نیست، ولی سوال اصلی این است که آیا تفکر شیعه امامیه در شکل‌گیری حکومت آل بویه تاثیر گذار بوده است یا خیر؟ بنیانگذاران این سلسله در آغاز، ارتباط با مذهب شیعه امامی در آن‌ها آشکار نیست و اینکه گفته شده است دیلمیان غالباً به وسیله ناصراطروش، داعی و امام زیدی، اسلام و تشیع را پذیرفته‌اند، دلیلی بر زیدی بودن آنان نیست، زیرا فرزندان خود اطروش هم برخلاف او شیعه امامی بودند. (مستوفی، ۱۳۶۲، ۴۱۶) گرچه برخی معتقدند که خود اطروش نیز امامی بوده است. (خضری، ۱۳۸۸، ۶۴۹)

احمد معزالدوله به عنوان عضو برجسته دولت بویه، تصمیماتی از سرتعلق به شیعه امامی اتخاذ کرد از جمله؛ مراسم سوگواری روز عاشورا در سال ۳۵۲ ق (ذهبی، ۱۴۰۷ ق، ۱۱) « همه، آن کار را کردند و سنیان انکار نکردند، زیرا یارای منع نداشتند که عده شیعیان فزون‌تر و سلطان هم همراه آن‌ها بود. » (ابن اثیر، ۱۳۹۸ ق، ۲/۲۶۲)

با روی کار آمدن بویه‌یان شرایط به شکلی برای شیعیان رقم خورد که مذهب امامیه که بیش از سه قرن در زیر پرده استتار خصوصت امویان و عباسیان بود، خارج شد. (عمادزاده، ۱۳۷۴، ۵۹۱)

۲- دوره تثبیت و استقرار

با تحکیم پایه‌های قدرت آل بویه در دوره تثبیت، تفکر شیعی در دولت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد و با امارت عضدالدوله که گرایش شیعی امامی بیشتری داشت، به رسمیت بخشیدن مذهب تشیع و ترویج آن، اهتمام زیادی نشان داده شد. در دوره استقرار، در زمان جانشینان عضدالدوله، این تلاش‌ها بیشتر شد که این خبر در آثار مورخین ضد شیعی با ادبیات ناهمگرایانه بیان شد. « در سال ۴۰۲ فخرالملک وزیر اجازه داد تا شیعیان بدعتی [!] فضیحانه پیرامون عزاداری حسین بن علی [علیه السلام] راه اندازند، دررثای حسین مانند زمان جاهلیت بر صورت خود سیلی زنند. خداوند به این وزیر خیری نرساند. » (ابن کثیر، ۱۱، ۱۹۶۶ / ۳۴۵)

به نظر می‌رسد آل بویه در دوران تثبیت، تشیع امامی خود را علنی کردند، زیرا با غیبت امام دوازدهم، شیعه امامیه رسماً امام حاضر در اجتماع نداشته و آنان می‌توانستند به نام او و برای حکومت او دعوت کنند. (کرمر، ۸۰، ۱۳۷۵) مولف کتاب تمدن اسلامی در قرن چهارم هم بر این

باور هست. (متز، ۱/۱۳۸۸/۱۸۲) شاید همزمانی غیبت کبرای امام دوازدهم (عج) با حکمرانی دولت بویه در اتخاذ این تصمیم تاثیرگذار بوده باشد، گرچه امرای بویه خود را مهدی موعود و یا جانشینان آن امام معرفی نکردند و هیچ متن تاریخی حتی از ناحیه مخالفان سرسخت آنان برای تخطئه شان به این موضوع و استفاده ایزاری آنان از مذهب شیعه امامی و به خصوص اندیشه مهدویت، اشاره نکردند.

با این توضیحات از منظر تشیع سیاسی که گروهی در یک جهت گیری سیاسی از رهبری اهل بیت، نه به عنوان منصوب از طرف خدا، حمایت و همراه آنان علیه ظلم خلفا قیام کردند (خضری، ۱۳۸۸، ۱۸) می توان گفت: آل بویه نیز در مسیر نیل به اهداف خود، به نقطه ای رسیدند که احمد بویه، بعد از خلع خلیفه المستکفی بالله، اگر به مبانی فکری شیعه اعتقاد داشت، حکومت را به فردی علوی واگذار می کرد، اما به مقتضای تشیع سیاسی، منصرف شد. این موضوع در روضه الصفا اثر میرخواند و هم توسط ابن اثیر در الکامل پرداخته شده است. (میرخواند، ۴/۱۳۷۳/۱۵؛ ابن اثیر، ۱۳۹۸ق، ۱۴/۱۷) این حرکت باعث شد که برخی از محققین، آل بویه را غاصبان قدرت بدانند که برداشت آنان از قدرت، تصورگونه ای از حکومت مشترک عباسی و شیعی بود. (کرمر، ۱۳۷۵، ۸۵) این پژوهش هم با توجه به بررسی خط سیر اعتقادی امرای بویه از زمان تاسیس، تثبیت و استقرار معتقد است، تشیع سیاسی آنان پررنگ تر از دیگر گرایش های شیعی می باشد.

نمی توان فارغ از شرایط زمان، فضای حاکم و جو غالب، آل بویه را فرصت طلبانی در قبض و بسط قدرت سیاسی محض معرفی کرد. آنان مسیر جدیدی در میدان سیاست اتخاذ کرده بودند که در خلافت اسلامی تازگی داشت. امارت استیلایی امرای آل بویه تلفیقی از اندیشه اهل سنت و شیعه بود که با استفاده از جایگاه مذهبی بنی عباس و حفظ ظاهری آنان در مقام خلافت، به اهداف سیاسی خودشان برسند. امرای موسس بویه را نمی توان به اهمال در حذف دفعی بنی عباس از خلافت اسلامی متهم کرد. شیوه مدیریتی بویهیان به خصوص امرای قدرتمند موسس را می توان گونه جدیدی از سیاست ورزی و طراح شیوه نو در قدرت مداری دانست که در بعضی از مواقع، زمانی که خلیفه منتخب و یا مورد تایید آنان، عنوان خلافت را یدک می کشید، از درگیری میان مسلمانان جلوگیری و باعث انسجام جامعه اسلامی شدند. به دنبال این سیاست است که در مقاطعی به دلیل درگیری های مذهبی میان شیعیان و اهل سنت، برخی عالمان شیعی بنا بر مصلحت جامعه اسلامی، تبعید و یا محدود می شوند. (ابن کثیر، ۱۱، ۳۳۹/۱۹۶۶) ابن جوزی در این خصوص می نویسد: حاکمان آل بویه به تبعید و برکناری بزرگان شیعه مانند سید رضی و شیخ مفید دست زدند (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ۱۵/۵۹) تا منازعات مذهبی تشدید نشود.

با گذار از مرحله تاسیس و شروع مرحله تثبیت، جامعه شیعی التفات بیشتری از امرای بویه شاهد بود. با توجه معزالدوله و عضدالدوله به نجف، مقدمات رشد، توسعه و عمران این شهر با تاسیس مدارس علوم دینی، کتابخانه، مراکز اسکان زائران و بازارها فراهم شد. (ثعالی، ۱۳۷۵ق، ۷۱/۸)

به دستور عضدالدوله مرقد امام علی (ع) در نجف توسعه یافت و آن شهر آبادان گردید. عزالدوله، اباکالیجار، جلالدوله به آبادانی و تعمیر و توسعه مشاهد متبرکه اهتمام داشتند و برای رفاه حال زوار هم تدارکاتی در نظر می گرفتند. (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ۸/۱۰۵؛ مقدسی، ۱۹۰۶م، ۱۷۴/۱)

کازمین هم رو به آبادانی گذاشته شد. (خضری، ۱۳۷۸، ۱۶۸) تثبیت معنویت حرم این شهر تا شعاع یک کیلومتر، احداث حجره‌ها و مدرسه‌ها و برای تدریس معارف قرآنی و روایی دانش‌پژوهان شیعی در اطراف صحن (آل یاسین، ۱۳۷۱، ۲۸؛ الخلیلی، ۱۴۰۷ق، ۱۶۳/۹) را می توان نام برد. عضدالدوله مهاجرت شیعیان به کربلا را تشویق کرد. بازار بزرگ سرپوشیده‌ای بین آستان حسینی و آستان حضرت ابوالفضل (ع) ساخت. (سید جواد، ۱/۱۳۸۳، ۷۵) معزالدوله، علویان و طالبیان را در هیئتی مستقل از عباسیان سازماندهی کرد و بر اقتدار و عزت آنان و شیعیان افزود. (ابن مسکویه، ۲/۱۳۶۹، ۸۵)

عضدالدوله خود به کربلا می رفت و در این سفرها به زائرین احسان می نمود. در سال ۳۷۱ هجری که او توفقی در جوار آستان حسینی داشت، عطا‌های فراوانی میان مجاورین آن حرم توزیع کرد و مبالغ قابل توجهی در صندوق مطهر آن حضرت قرار داد تا میان علویان و سادات تقسیم شود. (فقیهی، ۴۴۸، ۱۳۶۵)

تا زمان روی کار آمدن آل بویه، کار تدوین مباحث و موضوعات کلامی، روایی و فقهی شیعیان امامی به تأخیر افتاده بود که فرمانروایان این سلسله زمینه‌هایی فراهم آوردند تا متکلمان، محدثان و فقها، آثاری ارزشمند و معتبر تألیف نمایند. در ضمن آل بویه کوشیدند پیروان اهل بیت را از تقید و فشار سیاسی مخالفان نجات دهند و برای آنان آزادی عمل و سازمانی رسمی به وجود آورند. (خوارزمی، ۱۳۹۰ق، ۱۶۴) نه تنها اقامت زائران در جوار مراقد اهل بیت امکان پذیر و مطبوع گردید، بلکه در مجاور آستان‌های مقدس فعالیت‌های آموزشی، ارشادی و تربیت مروّجان و مبلغان پا گرفت و تکاپوهای علمی و فکری افزایش یافت. (مظفر، ۱۳۶۸، ۲۹۶-۲۹۹)

با توسعه تشکیلات نهاد نقابت در خلافت عباسی، برخی مقامات و مسؤولیت‌های ویژه را به رجال امامیه تفویض نمود؛ از جمله وظایف نقیب، رسیدگی به امور شیعیان، نظارت بر مظالم و امیرالحاج بود. (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ۱۴/۳۶۹) ابو احمد موسوی و دو فرزندش - سید رضی و

مرتضی - در صدر تقیاء علوی قرار داشتند. (همان، ۱۴ / ۳۶۹)

دیالمه عالی‌ترین عواطف و خالصانه‌ترین احساسات را نثار اهل بیت و علویان می‌نمودند. (ابن ابی‌الحدید، ۱ / ۱۳۷۹ / ۲۸) در واقع قصد آنان این بود که یک حق حکمرانی برای شیعه برقرار کنند که در پرتو این نظام سیاسی، پیروان مذهب اهل بیت از برخی الزامات تقیه بیاسایند. این اقدامات برای شیعیان رویایی به نظر می‌رسید، زیرا در ادوار قبل، در بهترین شرایط اگر مورد اذیت و آزار واقع نمی‌شدند، ولی از امتیاز خاصی هم برخوردار نبودند.

بویهیان با روحیه همگرایانه سعی کردند یک نوع تعادل سیاسی اجتماعی به دور از افراط و تفریط حاکم نمایند که باعث شکوفایی تمدن اسلامی شده بود. (مکدروت، ۲۳ / ۱۳۸۴) آنان می‌کوشیدند از میان شیعیان دوازده امامی، پشتیبانی مطمئن برای خود فراهم نمایند، اما نه به بهای اینکه پیروان مذاهب اسلامی را از خود برنجانند. (یارشاطر، ۱ / ۱۳۵۴ / ۱۵۶)

ب) اندیشه امامت و مهدویت در امارت بویه

۱- دوره تأسیس

مهمترین رویداد در دوران شکل‌گیری آل بویه، غیبت کبرای حضرت مهدی (عج) در سال ۳۲۹ هجری بود که بحث شایع محافل دینی و مذهبی شیعه شده، سبب بروز کشمکش‌های عقیدتی در این دوران گردید. (کرمر، ۸۰ / ۱۳۷۵)

اصل مهدویت، انتظار ظهور، نیابت، ولایت فقیهان و تقیه، اهم مبانی اندیشه سیاسی شیعه در عصر غیبت می‌باشند. در اصل «مهدویت»، بزرگان شیعه امامیه علاوه بر نگارش آثار ارزشمندی در این باره همچون شیخ صدوق در کمال‌الدین به طرح و تبیین آن پرداخته، دو هدف عمده را پی‌گیری کرده‌اند: اثبات حضور باطنی امام معصوم و اعلان عدم مشروعیت حکومت‌هایی که در رأس آنها امام معصوم قرار ندارد، که این مورد توسط تئوریسن‌های مطرح شیعه، با پذیرش سلاطین آل بویه به عنوان حاکمان جائز محق، گام بسیار مهمی در تعدیل راهبرد سیاسی شیعه در قبال حکام جور برداشته شد که در سایه آن، شیعیان در فضای به دور از تش و ترس به تحکیم و ترویج عقاید شیعی پرداختند. سید مرتضی با نوشتن کتابی به نام رساله فی العمل مع السلطان به مسئله همکاری با سلطان جائز پرداخت و به تفکیک جائز شیعی و جائز غیر شیعی را تشریح کرد.

دردوران حضور، شیعیان با درک غصب خلافت توسط غیر معصوم، نحوه و میزان ارتباط و همکاری خود را با حکومت‌های غاصب و جور از امام حاضر می‌پرسیدند و آنان نیز رفتار سیاسی

خود، یعنی صلح یا قیام و تقیه، چارچوب همکاری و رابطه را مشخص می کردند، مثل رفتار امام علی(ع) با خلفای راشدین(شیخ انصاری، ۱۴۱۴ق، ۹۲) یا توصیه های سیاسی امام موسی کاظم(ع) به علی یقطین و پذیرش ولایتعهدی از سوی امام رضا(ع)، الگوی رفتاری توأم با تقیه برای شیعیان بوده است، اما دردوران غیبت، پنج عنصر مصلحت، نیت، تقیه، رجعت و انتظار، مبنای اندیشه و رفتار سیاسی فقیهان شیعی در همکاری با حکومت های عرفی از جمله آل بویه بود.

فضای ایجاد شده، شرایط را به گونه ای فراهم ساخت که علمای شیعه، اعم از محدث، متکلم، فقیه، مفسر و غیره در این عصر توانستند سنگ بنای معارف شیعه را بگذارند. این دوران به عصر تکوین هویت مذهبی شیعه مشهور است، زیرا منجر به تدوین نظریه امامت شده، کمک شایانی در تقویت و رهایی از تحجر و سرگردانی دردوران غیبت نمود. پاسخگویی به پرسش های رکن الدوله در باب امامت و نبوت، ترتیب دادن مناظرات کلامی به خصوص موضوع غیبت امام زمان(عج) که در یکی از مناظرات، شیخ صدوق به امامی بودن رکن الدوله تصریح کرده بود(صدوق، ۱۳۹۵ق، ۵۲) را می توان نام برد.

عالمان شیعی در این دوره با رویکرد تاریخی و تمسک به گزاره های آن، در صدد پاسخ به شبهه های وارده برآمده، کتاب های دلایل، الغیبه، الرذیه و تک نگاری هایی در موضوعات مورد مناقشه چون حدیث غدیر و جنگ جمل تالیف شد. شیخ مفید فصلی از کتاب جمل خود را به دلایل امامت امام علی(ع) و اثبات امامت از طریق نص قرآن و احادیث و نیز اثبات عصمت امیرالمومنین امام علی(ع) در پاسخ به معتزلیان به نصب نوشته است.(شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ۲۲-۳۱)

این کتاب ها عمدتاً با رویکرد روایی - حدیثی نگاشته می شدند و عمده نویسندگان کتب دوره تأسیس به مکتب حدیثی - اخباری قم وابسته بودند که در رأس همه آنان، شیخ صدوق با تألیف نزدیک به سیصد جلد کتاب از عالمان شیعی پرکار این دوره است. شیخ طوسی در فهرست خود چهل و سه کتاب ایشان را نام می برد.(طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۴۳-۴۴۴) کتب تألیفی شامل کتاب هایی بوده که به درخواست عالمان شیعی و یا با نیاز سنجی خود نویسندگان، در جامعه هدف صورت گرفته است. البته در این دوره، نگارش کتاب های فقهی نیز رواج داشت. ابن جنید اسکافی و ابن ابی عقیل عمانی، دو چهره برجسته فقهی عصر تأسیس هستند که از آن دو به «قدیمین» یاد می شود. کتاب های دو عالم شیعی مذکور و به ویژه ابن جنید، منجر به شاخه جدیدی از علم فقه و اصول، تحت عنوان فقه اجتهادی و تعقلی گردید.(خوبی، ۱۳۶۰، ۲/۳۰۰)

۲- دوره تثبیت و استقرار

از آنجایی که بیشتر نویسندگان شیعی آثار تاریخی در این دوره، محدثان، فقیهان و به ویژه متکلمان بودند، علاوه بر استدلال های عقلی و کلامی، گاه ناگزیر از گزاره های تاریخی نیز کمک می گرفتند. البته در بسیاری از موارد، فقیه یا متکلم مخالف، شبهه وارد می کرد. قاضی عبدالجبار معتزلی، فصلی را به رد دلایل مبنی بر نص امامت اختصاص داد و شبهه های بسیاری بر حدیث غدیر خم وارد کرده، بستر تاریخی آن حادثه را نقد و بررسی نموده است. (قاضی عبدالجبار، بی تا، ج ۱ و ۲) سید مرتضی، هم عصر قاضی عبدالجبار با نگارش الشافی فی الامامه، در صدد پاسخ گویی به شبهه های وی برآمد.

با روی کار آمدن آل بویه، گونه های مختلف تاریخ نگاری شیعی به وجود آمد از جمله: موالید و وفیات اهل بیت (ع) مثل الارشاد شیخ مفید، دلایل در معجزات ائمه؛ اثر ابوالقاسم کوفی، کتاب های کلامی-تاریخی؛ الشافی اثر سید مرتضی، کتاب های حدیثی-تاریخی؛ عیون اخبار الرضا (ع) اثر شیخ صدوق، کتاب های رجالی-تاریخی، رجال کشی، کتاب های الغیبه؛ کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق، مقتل نگاری؛ مقاتل الطالبین اثر ابوالفرج اصفهانی را می توان نام برد. (شاکری، ۱۳۸۹، ۹۵)

قرن چهارم، عصر تلاطم افکار و عقاید مختلف بود، بدین جهت علمای امامیه ضمن تقویت مبانی فکری شیعه، در امر احتجاج و مقابله هم همت گماشتند. این مهم از ضروریات اولویت های بزرگان دانشمندان امامیه به شمار می آمد، چون مناظره و احتجاج یکی از اقدامات فرهنگی و تربیتی اهل بیت (ع) بوده است. (ابن عساکر، ۲/۱۴۱۵/۵۲۱)

ردیه نویسی بر کتب مخالف تشیع و به ویژه معتزله نیز موضوع برخی از کتب تألیفی را در این دوره شامل می شود. بیشترین ردیه نویسی ها در تاریخ حکومت ها و دولت های شیعی در این دوره نوشته شده است. عمده ردیه نویسی ها در موضوع امامت است که محل چالش میان عالمان شیعی و سایر مذاهب و فرق بود. شیخ مفید، نقش تعیین کننده ای در نگارش ردیه بر افکار مخالف تشیع داشته است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ۴۰۳-۳۹۹)

در امتداد ردیه نویسی، کتبی که جنبه ثبوتی داشت هم توسط علمای این عصر به رشته تحریر درآمدند. شیخ مفید فصلی از کتاب جمل خود را به دلایل امامت امام علی (ع) و اثبات امامت از طریق نص قرآن و احادیث و نیز اثبات عصمت امیرالمومنین (ع) در پاسخ به معترضان به نصب نوشته است. (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ۲۲-۳۱)

خلاصه اینکه دغدغه اصلی بزرگان شیعه در این زمان، اثبات وجود واقعی فرزند امام حسن عسکری (ع) یعنی حضرت مهدی (عج) و معرفی او به عنوان امام دوازدهم به شیعیان بود که با

کوشش شماری از متکلمان و محدثان شیعه مانند ابوسهل نوبختی، ابوجعفر ابن قبه، کلینی، نعمانی و به خصوص ابن بابویه با اثرارزنده اش کمال الدین، به تبیین نظریه امام غایب، دوران غیبت و ظهور منجی پرداختند. شیعه هم در دوره مذکور و هم در ادوار بعد، به شدت و امدار این دسته از عالمان است. آنان در جنگ سرد و تهاجم نرم افزاری (مباحثات، مناظرات و مجادلات مذهبی) اندیشه شیعه امامیه را پاسداری نمودند.

ج) ترویج اندیشه شیعه توسط امرای بویه

۱- دوره تأسیس

اگر دوره تأسیس آل بویه دوران ۱۵ ساله اول برآمدن آن سلسله باشد، روی کارآمدن حکومت شیعی آل بویه در ایران و عراق، در تحکیم این اندیشه تاثیرگذار بوده، احیای شعائر مذهبی شیعه را به دنبال داشت که تا آن موقع یا نمی توانستند انجام دهند و یا به طور پنهانی و معمولاً با جنگ و خون ریزی همراه بود. (ابن کثیر، ۱۱، ۱۹۶۶ / ۲۳۵) ابن اثیر معتقد است؛ شیعیان پس از ورود آل بویه به بغداد، آزادی عمل بسیار یافتند. (ابن اثیر، ۱۳۹۸ ق، ۵۰۸ / ۱۲) همو می گوید: در سال ۳۵۱ ق، شیعیان بغداد به دستور معزالدوله بر دیوار مساجد شعار نفرین بر معاویه و غاصبان فدک و برکسی که مانع دفن حسن [علیه السلام] در کنار قبر جدش شده بود، نوشتند. همان، ۲۰، ۲۵۶) البته کمی بعد با توجه به مخالفت سنیان و پیشنهاد وزیرش مهلبی، شعارها نرم تر و ملایم تر گردید. (همان) ابن جوزی هم همین دیدگاه را دارد که فضای باز مذهبی، فعالیت شیعیان را شدت بخشید. (ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق، ۱۷ / ۸)

یکی از مهم ترین شعائر مذهبی شیعه که خلفای عباسی به خصوص متوکل با آن شدیداً مخالفت و مبارزه کردند، مراسم سوگواری امام حسین (ع) در روز عاشورا بود (همان، ۱۱ / ۲۳۱). اما به دستور معزالدوله به طور رسمی از سال ۳۵۲ ق در مرکز خلافت عباسی انجام می گرفت. (ابن اثیر، ۱۳۹۸ ق، ۲۷۹ / ۷)

۲- دوره تثبیت و استقرار

با تحکیم پایه های قدرت و مسلط شدن بر امور که مقارن با امارت عضدالدوله بود، شرایط ایده آلی برای شیعیان فراهم شد که از پرده استتار بیرون آیند و از موقعیت مطلوب بوجود آمده، برای تبیین اندیشه شان استفاده نمایند. به دلیل توجه ویژه این امیر و علمای معروف که ارتباط

تنگانگی با دولت بویه داشتند، ترویج اندیشه شیعه رونق به سزایی پیدا کرد. دردوره تثبیت و استقرار، به دلیل کثرت عالمان شیعی نسبت به دوره تأسیس، طبعاً فعالیت های علمی، آموزشی و پژوهشی بیشترشد. در این دوره، عالمان شیعی عهده دار مناصب سیاسی شده، از لحاظ مالی نیز شرایطشان بهترشد، بنابراین به شاگرد پروری و تأسیس مراکز آموزشی و پژوهشی پرداختند.

شیخ مفید، مدرسه اجتهادی و فکری شیعه در بغداد را پایه گذاری نمود که عالمان و مبلغانی همانند؛ شریف مرتضی، سید رضی و شیخ طوسی تربیت شدند که زمینه ساز تألیف آثار فراوانی با موضوع فقه، اصول فقه و مناظره با مذاهب دیگر با رویکرد شیعی بودند. (غرایبه، ۱۰۳، ۱۳۸۵)

دردوران تثبیت و استقرار دولت بویه، بی شک تأثیرگذارترین چهره های برجسته در تأسیس مراکز علمی، دو برادر دانشمند، ادیب و عالم شیعی، سید مرتضی و سید رضی بودند. سید رضی در بغداد، بنیاد آموزشی را تأسیس کرده بود که به آن دارالعلم می گفتند و مرکز اجتماع اهل علم و دانش بود. (کبیر، ۱۳۸۰، ۱۰۵) در این مرکز آموزشی و پژوهشی، افزون بر تالارهای تدریس، سخنرانی و جلسات، اتاق هایی برای زندگی دانشجویان فراهم آمده بود و کتابخانه بزرگی داشت که سید رضی شخصاً مدیریت آن را برعهده داشت. (بروجردی، ۱۳۸۶، ۳۶/۲۵)

حوزه علمیه بغداد با ظهور شخصیت های بزرگی در فقه، حدیث، اصول و کلام در این دوره به اوج شکوفایی رسید و کتب اربعه شیعه در این عصر به رشته تحریر درآمد. الکافی - اثر کلینی، حدود ۱۶۱۹۰ حدیث. من لایحضره الفقیه - اثر ابن بابویه قمی، حدود ۵۹۶۳ حدیث. تهذیب الاحکام و الاستبصار هر دو اثر شیخ طوسی. تهذیب مشتمل بر ۱۳۵۹۰ حدیث و کتاب استبصار مشتمل بر ۵۵۱۱ حدیث می باشد.

از نیمه دوم قرن چهارم، شیعیان و عالمان شیعی جایگاه اجتماعی شان را باز یافتند و مرکزیت حوزه علمیه شیعه، با مدیریت و مرجعیت شیخ مفید به وجود آمد و هویت فکری شیعه تثبیت گردید. وی با متمرکز کردن مرکز آموزشی و درسی در بغداد و تألیف آثار ارزشمند در زمینه های فقه، کلام، اصول، حدیث و تربیت شاگردان بسیار، پایه های حوزه علمیه و سازمان روحانیت شیعه را بنیان نهاد که این حرکت، با تلاش های بعدی سید مرتضی و شیخ طوسی، بالندگی بیشتر یافت.

بدین سان، با فعالیت های بزرگانی مثل کلینی و شیخ صدوق، آموزش و آماده سازی نیروهای دینی و علمی، بنیان های مذهبی شیعه استحکام یافت و با تلاش های عالمان دینی و چهره های برجسته، شیعیان در زمینه های رهبری و مرجعیت، فتوا، آموزش معارف دینی و دیگر علوم متداول آن روز، از مرکزیت واحدی برخوردار شدند که منبع تغذیه فقهی و کلامی شان بغداد

بود. کلینی و صدوق، عمده تلاش خود را صرف جمع آوری احادیث و تدوین آن‌ها نمودند تا مبانی اساسی شیعه را از حرکت‌های تهدیدآمیز در قسمت‌های روایی و منابع فقهی مصون دارند.

با این توضیحات، در زمان امارت امرای بویه و از نیمه دوم قرن چهارم با تسلط بر بغداد، فضای فکری و اجتماعی مناسب‌تری برای شیعیان و بزرگان شیعه امامیه پیش آمد؛ تجلیل از اعظم شیعه به خصوص دردوره تثبیت و استقرار، در ترویج اندیشه‌های شیعه موثر بود. (ابن اثیر، ۱۳۹۸ق، ۱۸۲/۹؛ صدوق، ۱۴۰۴ق، ۲۶۳/۲) ضرب سکه به نام امامان، (فرای، ۱۳۸۱، ۳۲۴/۴) پیام جدیدی به دستگاه خلافت و عامه مردم بود. تعمیر و تجدید بنای مشاهد متبرکه (مقدسی، ۳۳۲/۱۹۰۶، ۲) به عنوان نماد تشیع، در دستور کار قرار گرفت. حک کردن نام ائمه (ع) در تخت جمشید، (کرمر، ۸۲، ۱۳۷۵) تلفیق اندیشه شیعه به عصمت معصومین و فر و شکوه ایزدی شاهان ساسانی صورت گرفت. وقف و نذر دو فرهنگ شیعی، بهبود اوضاع معیشتی شیعیان و استقلال مالی آنان را به دنبال داشت. (مقدسی، ۳۳۲/۱۹۰۶، ۲) انتخاب وزیران شیعی به مانند ابن عمید، صاحب بن عباد و مهلبی (ابن مسکویه، ۴۸۷/۱۳۶۹، ۶؛ ثعالبی، ۱۳۷۵ق، ۱۵۹/۱) موقعیت بهتر نسبت به قبل برای شیعیان فراهم شد. (توحیدی، ۱۹۶۵، ۸۲)

احیای منصب نقابت با حضور علویان (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ۱۵۳/۷) به عنوان حلقه اتصال مردم با حاکمیت، تأمین‌کننده بسیاری از انتظارات و امکانات برای شیعیان بود. نقابت در واقع سرپرستی تمام مرد و زنی بود که نسبشان به حضرت ابوطالب می‌رسید. (ذبیح زاده، ۱۳۸۷/۱۷۴) خلفا و سلاطین هم برای کسب وجهه بدان حکم می‌دادند. (همان، ۱۷۵) ابواحمد حسین پدر سید رضی، نقیب شیعیان بود. (ابن اثیر، ۱۳۹۸ق، ۷۸/۹) در منابع به نقابت سید رضی هم اشاره شده است. (همان، ۲۹۳/۲۱)

تعزیه خوانی و منقبت خوانی که رنگ مذهبی به خود گرفته بود (جعفریان، ۱۳۷۸، ۱۲۸) در راستای برانگیختن احساسات و عواطف شیعیان به عنوان رسانه، در ترویج اندیشه شیعه موثر بود. سنیان هم فضایل خوانی می‌کردند. (همان، ص ۱۴۰)

تعیین نواب برای شهرهای شیعه نشین، کاری که دردوره حضور ائمه اطهار (ع) و با درایت آن بزرگواران شروع شده بود، با غیبت امام دوازدهم (ع)، این مسوولیت خطیر به عهده علمای بزرگ شیعه واگذار شده بود. کتاب المسائل السرویه از شیخ مفید برای یکی از نایبانش در شهرهای شمالی ایران، در امتداد این حرکت می‌باشد.

تدوین فقه امامیه در عصر شیخ طوسی رونق زیادی می‌گیرد. وی با تصحیح، بازنگری و

بررسی آثار علمای سلف و وضع اصول و قواعد و مبانی علوم متعددی نظیر تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و رجال، دوره تکامل مذهب شیعه را رقم زد. (غرابیه، ۱۳۸۵، ۱۹)

در مجموع دردوره تأسیس دولت، عمده ترین اقدام عالمان شیعی در فرآزمندی تمدن اسلامی در بعد آموزشی، توجیه و تبیین مشروعیت دولت شیعی آل بویه و تدوین اصول اعتقادی شیعه با گرایش حدیثی - اخباری از یک سو و رویکرد اجتهادی دادن به فقه شیعه از سوی دیگر است. دردوره تثبیت و استقرار نیز، علم کلام و فقه با ساختاری تعقلی - اجتهادی، به عرصه دانش های اسلامی وارد می شوند که رسالت پاسخ گویی به شبهات اعتقادی و فقهی جامعه شیعی را برعهده داشتند. تکامل فقه شیعه و تغییر رویکرد از اخباری به عقلی و اجتهادی و فقه استدلالی، دیگر دستاورد عالمان شیعی در این دوره به شمار می آید. مهم ترین اقدام عالمان شیعی در این برهه حساس تاریخی، نظریه مند کردن فقه سیاسی شیعه بود که شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی عهده دار این رسالت تاریخی بودند.

عالمان شیعی در زمینه شاگرد پروری، تدوین نظریه امامت، نگارش حجم عظیمی از کتب فقهی، تفسیر، حدیث، تاریخ، کلام، فلسفه و به ویژه رجال، ایجاد نهاد مرجعیت، پدید آوردن مکاتب اهل حدیث، اجتهادی و عقلی، روایی - اجتهادی، کلامی و کلامی - حدیثی در فقه شیعه، عمق بخشی به مسائل علمی و ایجاد رواداری مذهبی میان عالمان شیعی و سایر فرق غیر شیعی (چلونگر، ۲۰۹، ۱۳۸۸) نقش بسیار مهمی در فرآزمندی تمدن اسلامی ایفا نمودند. شکوفایی علم و دانش، کثرت کتابخانه های دارای کتب بالای صد هزار عدد، نگارش دانش نامه ها، تعدد رشته های دانشگاهی به ویژه در علوم اسلامی و دینی، از دیگر مؤلفه های تمدن سازی عالمان شیعی در دولت آل بویه به شمار می رود. (لاپیدوس، ۱۳۷۶، ۲۳۶) رویکرد تمدن سازی آموزشی شیعه در شکل نوین آن، برخی درخشان ترین دوره در تمدن اسلامی را قرن های چهارم و پنجم هجری می دانند که شامل دوره آل بویه نیز است. (بارانی، ۱۳۹۲، ۷۰)

خلاصه این که توجه، اهتمام، التفات و تعظیم و تکریم امرای آل بویه به شاعران، مقدّسات و بزرگان شیعه امامیه را از سر ارادت قلبی بدانیم یا از منظر شیعه سیاسی، نمی توان سهم و نقش آنان را در ترویج و توسعه اندیشه این مذهب نادیده گرفت. آنان نقش ارزنده ای در حیات سیاسی و اعتقادی تشیع داشتند. این وسعت نظر و بها دادن به آزادی فکر و عقیده، به همراه تشویق اهل علم و حمایت از دانشمندان و متفکران که امکان ظهور رقابت امامیه را با سایر مذاهب اسلامی فراهم کرده بود، عاملی برای ترقی فرهنگی، اعتلای کوشش های پژوهشی و گام برداشتن به سوی شکوفایی تمدن اسلامی بوده است. (مکدروت، ۱۳۸۴، ۲۱-۲۳)

نتیجه گیری

دولت به عنوان یک پدیده، دارای ماهیت و مختصات مخصوص به خودش بوده، اندیشه و تفکری را دنبال می کند که ماهیت یا همان چیستی آن دولت می باشد. برای شناخت ماهیت فکری هر دولتی از جمله آل بویه، شناخت اندیشه و ایدئولوژی، از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. دولت آل بویه به عنوان نخستین دولت شیعی، در میان دولت های خلافت عباسی، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. این دولت از نظر قدرت، وسعت قلمرو و بالاخص شکوفایی فرهنگی و تاثیر آن بر فرهنگ ایرانی-اسلامی، از مهمترین حکومت های ایران دوران اسلامی است.

یکی از دوره های فرصت تاریخی برای شیعیان قطعاً همین دوره است، زیرا به لحاظ وجود فضای نسبتاً باز فرهنگی، تضارب افکار و آرا، موجب رشد و باروری فقه و کلام شیعه شد و با وجود رقیبان قدرتمند تسنن در عرصه های علوم دینی، شیعیان را نیز برای دفاع علمی و فرهنگی واداشت. مکاتب فکری قم و بغداد با همه اختلافات به تبیین تفکر شیعه پرداختند و کتب اربعه در حدیث در این زمان به رشته تحریر درآمدند، بدین جهت این دوران به عصر تکوین هویت مذهبی شیعه مشهور شد.

امرای شیعی آل بویه به عنوان دولتمردانی که آرمانخواهی تشیع را آگاهانه یا براساس مقتضیات زمان انتخاب کرده، شیعه آنان را حبی، اعتقادی و یا سیاسی بدانیم، برای نهادینه کردن این مذهب به تکاپو افتاده، از همه توان خود استفاده کردند. آنان با به پای فراز مندی تمدن اسلامی، در تعالی اندیشه شیعه، نقش ارزنده و ماندگاری داشتند، چون اقدام بویهیان در رسمیت بخشیدن به نمادها و مظاهر شیعی چون؛ جشن غدیر و سوگواری عاشورا و مشارکت دادن شیعیان در عرصه های مختلف، در تقویت هویت جمعی شیعیان و افزایش میزان پابندی آن ها به ارکان اعتقادی شان سهم و نقش موثری داشت. رابطه و تعامل امیران آل بویه (صاحبان قدرت سیاسی) با علمای شیعه امامی (صاحبان قدرت اجتماعی)، رابطه ای دو سویه، یکی برای کسب مشروعیت و دیگری برای ترویج تفکر مذهبی بوده و حمایت های مادی و معنوی امرای بویه از شیعیان امامی، شرایط بسیار بهتری در همه زمینه ها، برای آنان به دنبال داشت.

به شکل خلاصه دستاورد این تحقیق چنین است:

۱- نامهربانی ها و سیاست واگرایانه ی کارگزاران خلافت به واسطه رویکردهای متعارض اجتماعی همچون ظلم و ستم، تعصب شدید نژادی و اخذ مالیات های چند نوبته که با اکراه و ناخرسندی ایرانیان مواجه می شد، زمینه ساز نارضایتی و شورش بسیاری شدند و بر روی کار آمدن آل بویه تاثیر گذار بود.

۲- با توجه به تاثیرگذار بودن عنصر مکان در گرایش فکری، فرهنگی و مذهبی افراد، امرای بویه به خصوص امرای موسس، در ابتدا زیدی مذهب بوده، در مسیر تا نیل به قدرت، با توجه به اینکه شیعه امامیه، امام حاضر در اجتماع نداشته، به این مذهب گرایش پیدا کردند، بنابراین شیعه آنان، شیعه سیاسی است تا شیعه اعتقادی.

۳- امارت امرای بویه را می توان طراح الگویی از سازواری دوسویه امرا و عالمان شیعی دانست که بستر های مناسب برای نقش آفرینی با واسطه اندیشه ورزان و بزرگان دینی در مدیریت جامعه را فراهم کرد، زمانی که عالمان بی واسطه در راس مدیریت جوامع اسلامی نیستند. البته عالمان شیعه در این عصر، با تنظیم رسالات و تعدیل راهبرد سیاسی شیعه، همکاری با سلطان جائر را قاعده مند کردند.

۴- در دوره تثبیت و استقرار امارت امرای آل بویه به دلیل کثرت عالمان شیعی نسبت به دوره تأسیس، فعالیت های علمی، آموزشی و پژوهشی آنان بیشتر شد. نکته بسیار مهم اینکه در این دوره، عالمان شیعی عهده دار مناصب سیاسی شده، این امر باعث شد که از لحاظ مالی نیز شرایطشان بهتر شود، بنابراین به شاگرد پروری و تأسیس مراکز آموزشی و پژوهشی پرداختند.

۵- یکی از مهمترین پیامد های امارت آل بویه برای شیعیان، ایجاد نهاد مرجعیت بود که هم در طول حیات سیاسی آن سلسله و هم در ادوار بعد، در ترویج تفکر و اندیشه شیعه امامیه، سهم و نقش موثری داشت.

فهرست منابع:

- ۱- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۹ ش.
- ۲- ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، دارالفکر بیروت، ۱۳۹۸ ق.
- ۳- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، ناشر اساطیر، ۱۳۹۶.
- ۴- ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی، الهدایه، قم، موسسه امام هادی(ع)، ۱۴۱۸ ق.
- ۵- ابن تغری بردی، جمال‌الدین، النجوم الزاهره فی ملوک مصر والقاهره، المؤسسة المصریة العامة، قاهره، ۱۳۹۲ ق.
- ۶- ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، بیروت، دارالکتب العمیه، ۱۴۱۲ ق.
- ۷- ابن حجر، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، دارصادر، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۲۵ هـ.
- ۸- ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۹- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ناشردارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۰- ابن عماد حنبلی، ابوالفلاح عبدالحی بن احمد بن محمد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، محقق و مصحح، محمود ارناووط، دارالفکر البنانی، بیروت، ۱۴۲۱ هـ ق.
- ۱۱- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، بیروت، مکتبه المعارف، ۱۹۶۶ م.
- ۱۲- ابن مسکویه، احمد بن علی، تجارب الامم، تهران، سروش، ۱۳۶۹ ش.
- ۱۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- ۱۴- احمدیان شالچی، نسرین و همکاران، نجف کانون تشیع، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸.
- ۱۵- آشوری، داریوش، دانش نامه سیاسی، نشر مروارید، ۱۳۹۸.
- ۱۶- آل یاسین، شیخ محمد حسین، تاریخ حرم کاظمین، مشهد مقدس، کنگره جهانی حضرت امام رضا(ع)، ۱۳۷۱ ش.
- ۱۷- آملی، محمد بن حسن اولیاء الله، تاریخ رویان، تصحیح: منوچهر ستوده، تهران، اقبال، ۱۳۸۳.
- ۱۸- بارانی، محمد رضا و دهقانی، بررسی تطبیقی رواداری حاکمان آل بویه و سلجوقیان در امور سیاسی

- و حکومتی، فصل نامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۹۳.
- ۱۹- -----، بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه های معتزله و اشاعره در عصر آل بویه در بغداد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
- ۲۰- بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعة، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، ۱۳۸۶.
- ۲۱- تشیع در عهد آل بویه، نشریه درس هایی از مکتب اسلام، شماره ۴.
- ۲۲- تنوخی، محسن بن علی، نشوارالمحاضره و اخبارالمذاکره، تحقیق عبودالشالجبی، بیروت، بی نا، ۱۳۴۹ق.
- ۲۳- توحیدی، ابوحیان، مثالب الوزیرین، دمشق مطبوعات المجمع العلماء العربی، ۱۹۶۵م.
- ۲۴- ثعالبی، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل، یتیمه الدهرفی محاسن اهل العصر، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید قاهره، بی نا، ۱۳۷۵ق.
- ۲۵- جعفریان، رسول، تاریخ ایران اسلامی (از طلوع طاهریان تا غروب خوارزمشاهیان)، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸ش.
- ۲۶- -----، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم هجری، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- ۲۷- جوالیقی، ابومنصور موهوب بن احمد بن محمد، المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم، تحقیق: خلیل عمران منصور، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- ۲۸- چلونگر، محمدعلی، هم گرابی و واگرایی در اندیشه سیاسی امامیه و حنابله در بغداد دوره آل بویه، شیعه شناسی، سال هفتم، تابستان ۱۳۸۸ شماره ۲۶.
- ۲۹- حسینی، تاج الدین محمد بن حمزه ابن زهره، غایه الاختصار، نجف، مطبعه الحیدریه، ۱۹۶۳م.
- ۳۰- خضری، سید احمد رضا، تاریخ تشیع، سمت، ۱۳۸۸.
- ۳۱- -----، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، تهران، سمت، ۱۳۷۸ش.
- ۳۲- -----، دولتها، خاندانها و آثار علمی و فرهنگی شیعه، سمت، ۱۳۸۹.
- ۳۳- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العربیة، ۱۴۰۷ق.
- ۳۴- الخلیلی، جعفر، موسوعة العتبات المقدسة، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۷ق.
- ۳۵- خوارزمی، محمد بن عباس، رسائل خوارزمی، بیروت، دارمکتبه الحیاة، ۱۳۹۰ق.
- ۳۶- ذبیح زاده، علی نقی، مرجعیت و سیاست در عصر غیبت، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۷.

- ۳۷- ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق عبدالسلام تدمری، بیروت دارالنشر، ۱۴۰۷ق.
- ۳۸- رازی قزوینی، نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل، میرجلال الدین محدث ارموی، ویرایش و تحقیق محمدحسین درایتی، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱ش.
- ۳۹- زریاب خوبی، عباس و همکاران، دائرة المعارف تشیع، بنیاد طاهر، ۱۳۶۰.
- ۴۰- زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- ۴۱- السیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، ناشر: الحوراء، ۱۳۸۲.
- ۴۲- شاکری، مریم و خضری، سید احمدرضا، مجالس و انجمن های علمی و فرهنگی دوران آل بویه، تاریخ اسلام درآینه پژوهش، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۲۶، ص ۹۹-۱۲۴.
- ۴۳- شوشتری، نورالله بن شریف الدین، مجالس المؤمنین، تصحیح و تعلیقات ابراهیم عرب پور و دیگران، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲ش.
- ۴۴- شهرستانی، ابوالفتح محمدبن عبدالکریم، توضیح الملل، ترجمه سید محمدرضا جلالی نائینی، تهران، اقبال، ۱۳۵۸ش.
- ۴۵- شیخ انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ناشر، مجمع فکر الاسلامی، نشر قم، ۱۴۱۴ق.
- ۴۶- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الجمل و النصره لسید العترة في حرب البصرة، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- ۴۷- شیروانی، علی، شرح مصطلحات فلسفی درایه الحکمه و نهایه الحکمه، ناشر، بوستان کتاب قم، ۱۳۹۹.
- ۴۸- صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم قوام شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، ناشر داراحیا التراث، ۱۹۸۱م.
- ۴۹- صدوق، ابی جعفر محمد ابن علی، کمال الدین و تمام النعمه، قم انتشارات دارالکتب الاسلامی، ۱۳۹۵ق.
- ۵۰- -----، عیون اخبار الرضا(ع)، موسسه الاعلمی لامطبوعات، ۱۴۰۴ق.
- ۵۱- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری(تاریخ الامم والملوک)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، التراث العربی، ۱۳۷۸.
- ۵۲- طوسی، محمد حسن، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، قم

مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.

۵۳- عزیززاده، قربان، یک سکه استثنایی از دوره دیالمه، مجله میراث فرهنگ، شماره ۱۰ و ۱۱، پاییز ۱۳۷۳، ص ۷۸-۷۹.

۵۴- عمادزاده، حسن، تاریخ مفصل اسلام و ایران بعد از اسلام، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۴.

۵۵- غرابیه، ابراهیم و علی محمدی، علی، تحولات تاریخی، سیاسی و علمی مرجعیت دینی شیعه امامی، کتاب ماه دین ماه، خرداد و تیر ۱۳۸۵، شماره ۱۰۲ و ۱۰۳.

۵۶- فرای، ریچارد، تاریخ ایران کمبریج (از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان)، ترجمه، حسن انوشه، امیرکبیر، ۱۳۸۱.

۵۷- -----، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، سروش، ۱۳۵۸.

۵۸- فقیهی، علی اصغر، آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه با نموداری از زندگی مردم آن عصر، انتشارات صبا، ۱۳۶۵.

۵۹- -----، تاریخ آل بویه، سمت، ۱۳۸۹.

۶۰- قاضی معتزلی، عبدالجبار بن احمد، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، تحقیق محمود محمد قاسم، بی جا، بی تا.

۶۱- قمی، شیخ عباس، هدیه الاحباب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ش.

۶۲- کاهن، کلود، آل بویه، ترجمه علی بحرانی پور، نشریه رشد آموزش تاریخ، سال ۱۳۸۳، شماره ۱۵.

۶۳- کبیر، مفیزالله، کتابخانه‌ها و موسسه‌های آموزش عالی دوران آل بویه، کتابداری و اطلاع‌رسانی، جلد ۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۱۵-۱۱۹.

۶۴- -----، ماهیگران تاجدار، ترجمه مهدی افشار، نشر زرین، ۱۳۶۲.

۶۵- کرمر، جوئل، احیای فرهنگی در عصر آل بویه، ترجمه سعید حنائی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ش.

۶۶- کلینی، محمد، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷هـ.

۶۷- گردیزی، محمود بن الضحاک بن عبدالحی ابوسعید، زین الاخبار، تصحیح وتعلیق، عبدالحی حبیبی، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۷۴.

۶۸- گلی زواره، غلامرضا، کوفه پایگاه شیعیان، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ش.

۶۹- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، ۱۳۹۸.

۷۰- لاییدوس، ایراماروین، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه ی محمود رضانی، بنیاد پژوهش‌های آستان

قدس رضوی، ۱۳۷۶.

- ۷۱- مادلونگ، ویلفرد، مکتبها و فرقه های اسلامی در سده های میانه، ترجمه جواد قاسمی، بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
- ۷۲- متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم، ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگزلو، امیرکبیر، ۱۳۸۸.
- ۷۳- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- ۷۴- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- ۷۵- مظفر، محمدحسین، تاریخ شیعه، ترجمه سید محمد باقرحجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- ۷۶- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، لیدن، ۱۹۰۶ م.
- ۷۷- مقریزی، تقی الدین، السلوک لمعرفة دول الملوک، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۹۶۸ م.
- ۷۸- مکدروت، مارتین، اندیشه های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ ش.
- ۷۹- ملک مکان، حمید، تشیع در عراق در قرون نخستین، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹ ش.
- ۸۰- موسوی خوانساری، میرزا محمد باقر، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۲ ق.
- ۸۱- موسوی، سید حسن، زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱.
- ۸۲- میرخوند، محمد بن خاوند شاه بلخی، روضه الصفا فی سیره الانبیا والملوک، تهذیب عباس زریاب، تهران، اساطیر، ۱۳۷۳.
- ۸۳- نامعلوم، مجمل التواریخ والقصص، تصحیح ملک الشعرا بهار، تهران، چاپخانه، خاور، ۱۳۱۸.
- ۸۴- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین، ۱۳۶۵ ش.
- ۸۵- نحوی، سید سیف الله، آل بویه حامیان فرهنگ تشیع، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۸۶- همدانی، محمد بن عبدالملک، تکملة تاریخ الطبری، بیروت، مطبعة کاتولیکیه، ۱۳۸۱ ش.
- ۸۷- یارشاطر، احسان، دانشنامه ایران و اسلام، تهران، بنگاه ترجمه نشر کتاب، ۱۳۵۴ ش.